

در انتخاب بازیگران باندبازی وجود دارد

یک بازیگر مطرح گفت: صد درصد به باندبازی در انتخاب بازیگران برای نقش‌ها اعتقاد دارم. بسیاری از اتفاقاتی که می‌افتد و شاید خیلی‌هاشان از دوستانم باشند، اینطور است که نقش‌ها را بین خودشان تقسیم می‌کنند. می‌بینی در یک سال، دو سال یا سه سال در شبکه‌های مختلف و فیلم‌ها حضور دارند.

به گزارش سایت خبری پرسون، عبدالرضا اکبری- بازیگر که مهمان برنامه سریالیست تلویزیون بود، از تجربه سریال «تولد دیگ» گفت و درباره آن توضیح داد: تصویربرداری این کار سال‌های ۷۶-۷۷ شروع شد. داریوش فرهنگ را قبل‌تر از این‌ها می‌شناختم. از طریق تئاترها زمانی که روی صحنه نمایش کار می‌کردیم. خیلی دوست داشتم با او به ویژه در تئاتر بازی کنم. گذشت و قسمت شد تا در این کار از من دعوت کرد. وقتی فیلمنامه را خواندم دیدم از آن کارهایی است که می‌تواند ارتباط خوبی با مخاطب برقرار کند. از مجموعه کارهایی که به دستم رسید، مثل پهلوانان نمی‌میرند، عملیات ۱۲۵، مثل مزد ترس، باغ گیلان و خیلی کارهای دیگر از همان روز اول که فیلمنامه را می‌خوانی از دیالوگ‌ها و شخصیت‌پردازی‌ها متوجه می‌شوی که کاری که قرار است ارتباطش را با تماشاچی برقرار کند در همان مرحله نوشتاری خودش را نشان می‌دهد. تولدی دیگر هم این ویژگی را داشت.

او افزود: داریوش فرهنگ و تیم حرفه‌ای با تهیه‌کننده‌های خوب که بالای سرکار بودند و انتخاب بازیگران و حضور مرحومه جمیله شیخی در این کار برایم آن زمان و در طول این سال‌ها افتخاری بود. وقتی با این بزرگان کار می‌کردم فرصتی بود و من این فرصت را غنیمت می‌شمردم. این بزرگان برایم یک دانشگاه بودند. هر لحظه که فرصت پیدا می‌کردیم، ما را به تاریخ نمایش در ایران می‌بردند و این برای من ساده‌تر از چیزی بود که در دانشگاه و کلاس‌های دیگر می‌خواستیم یاد بگیریم. یکی از محسنات کار داریوش فرهنگ این بود که خودش تئاتری بود و همه تیمی که جمع کرده بود به جز بازیگران کودک تئاتری بودند. داریوش فرهنگ کارگردان خوبی در تئاتر است و در سینما هم کارهای ارزنده‌ای داشته است و اکثراً از بازیگران تئاتر در کارهایشان استفاده کرده‌اند.

اکبری توضیح داد: شروع این قصه را رامبد جوان و دوستان دیگری که در کنارش بودند، نوشتند. اما دوستان دیگری از جمله علی خودسیانی آمد و این کار را شروع کرد. خود آقای فرهنگ هم در نهایت یک بازنویسی داشت. چون روی ادبیات نمایشی اشراف و تسلط داشت. یکی از ویژگی‌های بسیار مهم کار او و گروهش این بود که همزمان با پیش‌تولید برای ما جلسات روخوانی، آنالیز متن را گذاشته بودند و در عین حال جلسه معارفه‌ای بود. در طول کارهایی که داشتم روال اینطور بود. مثلاً برای کار «پهلوانان نمی‌میرند» حسن فتحی دو هفته روخوانی و تجزیه و تحلیل کردیم و با واژه‌ها و دیالوگ‌ها آشنایی پیدا کردیم. سرصحنه درگیر مسائل جزئی نبودیم و به کار دکوپاژ می‌پرداختیم. در حال حاضر این مسایل در کارها اصلاً در نظر گرفته نمی‌شود. در خیلی از کارها حتی جلسه معارفه هم نداریم. مثلاً قرار است من در کاری کارکنم، دقیقه ۹۰ جلوی دوربین می‌روم و نه من کسی که قرار است نقش دخترم را بازی کند می‌شناسم و نه او، من را به آن اندازه؛ تا بخواهیم همدیگر را پیدا کنیم و قلق‌گیری کنیم و بشناسیم زمان زیادی می‌برد. این موارد در سکانس‌ها در تله فیلم خودش را نشان می‌دهد که هنوز یخ‌ها باز نشده است و بچه‌ها خوب نمی‌توانند ارتباط برقرار کنند. ارتباط رو درو و چشم در چشم سرد و بی‌روح است. در دل سریال گم می‌شود.

او گفت: این موضوع در سینما هم کم است. در لحظه و روزی که آفیش می‌شوی تا کارکنی جلسه روخوانی می‌گذارند. کمتر به این مسئله پرداخته می‌شود. مسئله بازیگری بسیار در دنیای تصویر مهم است. کارهای دیگر هم مهم هستند و نقش مهم و برجسته‌ای دارند. اما در نهایت کسی که قرار است پیام قصه را به بیننده منتقل کند و او را به دل نمایش ببرد و با خود همراه کند بازیگراست. چیزی که اهمیت کمی برایش قائل هستند.

اکبری در ادامه تأکید کرد: در سریال «تولد دیگ» این اتفاق افتاد و ما با هم خانواده شدیم. با خانم زنگنه، با عباس محبی، آقای گیتی جاه و خانم طاهری خانواده شدیم. تکرار این کارها را مردم دوست دارند. اما برای ما درد مضاعف است؛ می‌بینیم عمری ۳۰ ساله از ما گذشته است بدون اینکه متوجه باشیم چون درگیر کار بوده‌ایم. نمی‌دانم چه کسی می‌تواند جای جمیله شیخی را پر کند. واقعا از نظر اخلاق، دیسپلین، انضباط بی‌نظیر بود. وقتی می‌رسید باید همه چیز سر جای خودش آماده بود. اگر نبود بداخلاقی می‌کرد. اما از آن بداخلاقی‌هایی که دوست داشتی. بسیار جذبه داشت و منضبط بود. بازیگر مقابلش باید به موقع حضور پیدا می‌کرد. اگر غیبتی داشت یا دیر می‌آمد در روحیه او تأثیری گذاشت. آنها با فرهنگ دیگری در تئاتر ما رشد کرده بودند. از این بزرگواران و پیشکسوتان خود باید یاد بگیریم. امروزه خیلی‌ها به مسئله زمان و اخلاق و احترام به پیشکسوت توجهی نمی‌کنند.

او افزود: پیشرفت‌های تجهیزاتی به کنار، پیشرفت‌های فنی به کنار اما مسیر را بزرگان و پیشکسوتان برای ما باز کردند. ما سعی کردیم از نسل قبل از خودمان و آموزگاران که کار را به ما یاد داده بودند بیاموزیم و از همه مهم‌تر اخلاق بیاموزیم. امروز متأسفانه مقداری از اخلاق دور افتاده‌ایم.

بازیگر سریال «آنام» در ادامه بیان کرد: قطعاً تفاوت زیادی بیان نسل فعلی و نسل ما هست. پیشکسوتان با سختی وارد این عرصه شدند. خیلی دشوار بود تا کاری را به عرصه برسانند و مردم را پای کار بکشانند و با مقوله تئاتر، نمایش و بازیگری آشنا کنند. برای اینکه بازیگری و شخصیت را جا بیناندازند کارهای سختی کردند. در حال حاضر در ساده‌ترین شکل ممکن کار می‌کنیم. به نظرم بازیگران فعلی در مقایسه با نسل گذشته و نسل خودمان باید بگویم ما به پول و شهرت فکر نمی‌کردیم. هرچند اجتناب ناپذیر بود. شهرت و معروفیت و محبوبیت چیزهایی است که با این شغل می‌آید. اما اینکه چطور بتوانی خودت را حفظ کنی مهم است. شاید شهرت به سادگی یک شبه به دست بیاید اما به همان سادگی هم از دست می‌رود. حفظ آن سخت

است. بازیگرانی داریم که به خاطر تیپ، ظاهر، چهره و لباسشان یک شبه برای کاری انتخاب شوند و این یکی از فاکتورها است. استعداد، خلاقیت، ذوق، سلیقه، زیباشناسی، سواد و اخلاق بازیگر بسیار مهم تر است. بسیاری از بازیگران ما در حال حاضر فقط دیالوگ حفظ کن های خوبی هستند. این دیالوگ ها را هرکسی می تواند حفظ کند.

او تاکید کرد: بسیاری از بازیگران ما که تحصیل کرده این کار و تجربه کرده این رشته هستند و سالها روی صحنه تئاتر بوده اند الان در خانه ها نشسته اند و بیکار هستند. به نظرم باید طوری این قضیه مدیریت شود و این دوستان را به کار دعوت کنند. کار بازیگری فقط دیالوگ حفظ کردن نیست. اینکه بتوانیم نقشی را با تمام وجود، عشق و با یک احساس خیلی شفاف بیان کنیم مهم است. احساس می کنم الان در بازی هایی که می بینیم خون جریان ندارد. بازها تقلیدی شده است. از روی دست هم تقلید می کنند. واضح است نیاز نیست من اشاره کنم. بیشتر انتخاب ها براساس تیپ افراد است. ما در دانشگاه و آموزشگاه های علاقمندان به بازیگری را داریم که دوست دارند بیایند و فوراً جلوی دوربین بروند و زود هم معروف شوند و عکس هایشان دیده شود. باید ظرفیت خود را هم در نظر بگیرند. این عکس پشت جلد مجله ها خیلی ها را یک شبه از جاده آسفالت به جاده خاکی انداخته است. باید در دانشگاه ها به این مسائل توجه شود. ما در دانشگاه ها بچه های مستعدی داریم اما خودتان در جریان هستید یک تیم اینطرف و یک تیم آن طرف تشکیل داده اند. برای خودشان گروه درست کرده اند و بدون اینکه در نظر بگیرند هر نقشی به فلان بازیگر می خورد و باورپذیر است افراد را انتخاب می کنند در حالی که با انتخاب درست ۵ درصد مسیر را رفته ای. انتخاب ها درست نیست.

اکبری توضیح داد: ۱۰۰ درصد به باندبازی در انتخاب بازیگران برای نقش ها اعتقاد دارم. بسیاری از اتفاقاتی که می افتد و شاید خیلی هایشان از دوستانم باشند، اینطور است که نقش ها را بین خودشان تقسیم می کنند. می بینی در یک سال، دو سال یا سه سال در شبکه های مختلف و فیلم ها حضور دارند. به این دلیل که مدیریت نمی شود و نقش ها را بین خودشان تقسیم می کنند. در حالیکه می شود این را مدیریت کرد. اتفاقاتی که در سازمان می افتد و خودمان هم از دوران جوانی کارمان را اینجا شروع کردیم و تلویزیون سکوی پرتاب ما بود یک طور دیگر است. آن طرف هم طور دیگری است. اگر می خواستند در خانه سینما سخت گیری هایی برای ورود بازیگران جدید داشته باشند برای این بود که می خواستند صرفاً به هرکسی کارت ندهند. هرکسی عضو خانه سینما نشود به سادگی و بتواند ۱۰ نمونه کار نقش اولی را در سینما داشته باشد. تجربه تئاتر و تحصیلات آکادمیک داشته باشد. ولی خیلی ها می آمدند و بی رویه این کار را می کردند. مقداری جلوی آن گرفته شد. اما تقسیم نقش همچنان ادامه دارد و می بینیم همانطور بی رویه که البته شدت هم پیدا کرده است ادامه می دهند. دوستان خودمان تیم تشکیل داده اند. با گروه مخالف نیستیم. اعتقاد این است که برای داشتن یک تئاتر باید گروه داشته باشی. گروه وجود داشته باشد نقش و بازیگری هم وجود دارد. اما گروهی که بتواند حق دیگران را بدهد. اگر در گروهانم ببینم افرادمان برای نقشی مناسب نیستند از بیرون افراد را دعوت کنیم تا نقشی را ایفا کنند. این گروه ها زیاد ماندگار نیستند و به هر حال جدا می شوند و به پایان می رسند و سراغ چیزهای دیگری می روند.

بازیگر سریال «تولدی دیگر» گفت: زمانی یادم است در گروه تئاترمان که ۱۰ سال کار کردیم این را یاد گرفتیم که اگر من اینجا نقش اصلی بازی می کنم به واسطه تیپ، قیافه و استعداد و ظرفیتم برای این نقش مناسب هستم بچه ها می پذیرفتند و به رشد من کمک می کردند. در نقش های مختلف دو، سه یا چهار اینطور بود. می دانستم در یک تئاتر دیگر من نقش اصلی نیستم و دوست دیگرم به واسطه پتانسیل هایی که دارد قرار است باشد. این را می پذیرفتم. در این گروه ها وقتی یکی از بچه ها دو تا نقش اصلی بازی می کنند از رو برای هم شمشیر می بندند. بسیاری از همکارانم و اساتیدی که در دانشگاه ها هستند مسائل تئوریک را آموخته اند، تجربه ای از جلوی دوربین بودن و تئاتر نداشته اند، شاید نسل ما بتواند اینها را منتقل کند؛ کسانی که با جمشید مشایخی و استاد نصیریان کار کرده اند.

او بیان کرد: در مقطعی بچه هایی که نقش فرزندانم را در سریال تولدی دیگر بازی می کردند دیدم. اما آنها را نشناختم. خیلی فاصله افتاده بود و اینقدر بزرگ شده بودند که تا خودشان را معرفی نمی کردند آنها را نمی شناختم. بچه ها تا زمانی که کودک هستند چهره های شیرینی دارند وقتی بزرگ می شوند فرمشان فرق می کند. چندتایی از بچه هایی که در کودکی بازی کردند را دیدم و متوجه تغییر زیادشان شدم.

اکبری گفت: در کار جدیدم با آقای ابوفاضلی به نام «شب دیدار» که سریالی ۳۰-۴۰ قسمتی است یکی از این بچه ها کار می کند و شاهد احمدلو است. کارگردان خوبی شده است. همچنان نگاه های معصومانه را دارد. خانم متخصص در همین سریال نقش همسر من را بازی می کند. در مورد تغییر چهره خانم متخصص در سریال تولدی دیگر کاش آقای فرهنگ حضور داشت و توضیح می داد. به من هم درباره تفاوت فاحش تغییر چهره او که بعد خانم زنگنه بازی کرد گفتند. گفتند چطوری این اتفاق افتاد. خیلی روی این فکر کرده بودند. حتی فکر کرده بودند صدا همان باشد و خانم متخصص صحبت کند. جایگزینی پیدا نشد. نمی دانم چرا این اتفاق نیفتاد. اشاره درستی است چون مردم هم می گفتند چقدر خوب است تصادف کنی و این شکلی بشوی.

او بیان کرد: ما قبل از کار تولدی دیگر با روحیات یکدیگر آشنا شده بودیم و آقای فرهنگ خیلی وقتش را برای این تلف نمی کرد. خیلی کارگردان ها این وقت را می گذارند موقع فیلمبرداری و زمان زیادی می برد. می دانید که وقتی کار شروع می شود زمان در تولید چقدر اهمیت دارد. آن طرف دنیا برای خودش تشکیلات دیگری دارد. تعداد مربی ها از کارگردان ها بیشتر است. بسیاری از مربیان بازیگران را تعلیم می دهند. اینجا هم استارتش خورده شد و بسیاری از بچه های شناخته شده با سابقه، بازیگردانی را در فیلم ها شروع کردند. اما باز دوباره ناپدید شدند و این وظیفه به گردن دستیاران یا کارگردان افتاد. دستیاران حداقل باید این تجربه را داشته باشند و تئاتر خوانده باشند. حداقل بازیگری را تجربه کرده باشند. الان دستیاران می آیند که فقط خیالشان راحت است که تو دیالوگ ها را حفظ هستی.

او در پایان گفت: افسوس می خورم که بسیاری از بزرگان دیگر نیستند. حیف است. آقای تمجیدی بعد از کار مزد ترس رفتند و آن طرف کارهای هنری را دنبال می کنند. از سال ۶۱ استارت کار در تلویزیون را زدم و نزدیک به ۵۰ سریال کار کرده ام. نزدیک به ۴۳ کار در نقش های اصلی و محوری بوده ام. مدیون مردم هستم و نمی توانم عظمت روح آنها را جبران کنم.

«سریالیست» به تهیه کنندگی محمد باریکانی و مجتبی فرجی و با اجرای پدram کریمی کاری است از گروه تاریخ، فرهنگ و هنر شبکه یک که پنجشنبه ها ساعت ۲۳ و ۱۱ از شبکه یک پخش می شود.

